

خاطر بازی لوریس چکناریان
وقتی بر گشتم، رفته بود

حدود ۷ ماه پیش به همراه همسر آقای جهانگیر هدایت به دیدار خاتم شهباز توکلی همسر تختی رفته ایمشان در بستر بیماری بود و در همان دیدار ایشان را خلمی روشنگر و دانا دیدم. شخصیت خاتم توکلی به شدت مرا تحت تأثیر قرار داد وقتی



در صفحه ۱۲ بخوانید...

- نضی روی زمین: افغانی است | حمید رضا عطیعی
- من یک بندبازم | یونه جعفری نژاد
- خاطر های پر دوش | ابریشی از کتاب، چهل سالگی،
- ...

در صفحه ۱۱ بخوانید...

اقتراح

پریشی در باره طرح
مجازات برای نگهداری از
سگ های خانگی

از: سیدعلی ظاهری، محمد مهدی
جعفری، شاهین سینتا

علاقه سوال

از امیر محبیان پرسیدیم
مردم کجا به دنبال آگاهی
اجتماعی می گردند؟



از جامعه مدنی

جمعیت دفاع از کودکان کار
و خیابان را بشناسید



وقتی از جامعه پویا حرف می زنیم
از چه حرف می زنیم

همراه با صاحبزاده
سید محسن
انگشتی
گشادگان
فارس
شیرازی

میل دگرگونی در جوانان، هراس در مدیران

با بنیان های ارزشی و هویتی جامعه باشد. حال ممکن است برخی ها این پرستی را مطرح کنند که این تغییرات و دگرگونی ها همواره مثبت است و اگر مثبت است، چرا مردم همواره شرایط گذشته را بهتر از شرایط حال می دانند. در پاسخ به این افراد باید گفت که نگاه فوق تنها مبتنی بر یک حس نوستالژیک است که عموماً در حال انسان ها وجود دارد. چرا که انسان یا در خیال گذشته است یا پویای آینده را دارد. به طور قطع گذشته مزایا و معایب خود را داشته و تغییرات جدید همواره خود مزیت های جدید و به طور طبیعی نواقص و اشکالات تازه را ایجاد می کنند. مهم این است که پویایی یک جامعه در دنیای مدرن امروز تأثیر خود را بر جای می گذارد. رویای گذشته بیشتر ماندگفت و گوئی است که میان یک فرد شهری و یک فرد روستایی مطرح



معمولاً جامعه پویا را در مقابل ایستاد قرار می دهند. جامعه ایستاد جامعه ای است که گذر زمان چندان نقشی در آن ندارد و پیوسته یک شکل خاصی از رفتارها و کنش ها پدید آید و حتی ارزش ها در آن دیده شده و نسل به نسل این وضعیت ادامه

پیدای می کند. جامعه ایستاد جامعه ای است که اگر مدتی از آن دور شویم، چیزی از دست ندادیم، هم زپرا هر زمان که به آن جامعه بازگردیم، شاهد شرایط قبلی بدون هیچ تغییری خواهیم بود. در مقابل جامعه پویا، جامعه ای است که درگیر تغییر و تحول است و مردم نو به نو شده و دگرگونی را می پذیرد و هر زمانی که به این جامعه مراجعه کنیم، تغییرات مهمی در رفتارها، نگرش ها، آداب و رسوم و حتی فرهنگ مادی آن جامعه را مشاهده می کنیم.

از سوی دیگر در جامعه پویا جوانان نقش و تأثیر جدی تری دارند، در حالی که در جامعه ایستاد این پیروان و سالمندان هستند که امور در اختیار آنهاست. در جامعه پویا روحیه اصلاح طلبی و دگرگونی وجود دارد، اما جامعه ایستاد به شدت محافظه کار بوده و در مقابل تغییرات، مقاومت سختی از خود نشان داده و عموماً این تغییرات را نمی پذیرد. با این اوصاف باید بپذیریم که در دنیای امروز جایی برای جامعه ایستاد وجود ندارد. در دنیای زندگی می کنیم که لحظه به لحظه در حال دگرگونی است و هر لحظه یک فناوری نو، ایده های نوین و یک نگاه تازه به جهان و زندگی وجود دارد. در گذشته این گونه تصور می شد که ماهیت یک جامعه را ایستاد بودن آن است و هر تغییری می تواند



بعد از دوره مدرن تعریف می سازی از جامعه و کنش های موثر صورت پذیرفته جامعه پویا را یا جامعه ایستاد کنش های موثر داشت. در این تعریف دگرگونی از سوی پویایی و رسیدن به واکنش های موثری که عنوان شده، نیاز است. موفقه نخست

• در جامعه پویا، روحیه اصلاح طلبی و دگرگونی وجود دارد، اما جامعه ایستاد به شدت محافظه کار بوده و در مقابل تغییرات، مقاومت سختی از خود نشان داده و عموماً این تغییرات را نمی پذیرد. با این اوصاف باید بپذیریم که در دنیای امروز جایی برای جامعه ایستاد وجود ندارد. در دنیای زندگی می کنیم که لحظه به لحظه در حال دگرگونی است و هر زمانی که به این جامعه مراجعه کنیم، تغییرات مهمی در رفتارها، نگرش ها، آداب و رسوم و حتی فرهنگ مادی آن جامعه را مشاهده می کنیم.

• در جامعه پویا، روحیه اصلاح طلبی و دگرگونی وجود دارد، اما جامعه ایستاد به شدت محافظه کار بوده و در مقابل تغییرات، مقاومت سختی از خود نشان داده و عموماً این تغییرات را نمی پذیرد. با این اوصاف باید بپذیریم که در دنیای امروز جایی برای جامعه ایستاد وجود ندارد. در دنیای زندگی می کنیم که لحظه به لحظه در حال دگرگونی است و هر زمانی که به این جامعه مراجعه کنیم، تغییرات مهمی در رفتارها، نگرش ها، آداب و رسوم و حتی فرهنگ مادی آن جامعه را مشاهده می کنیم.

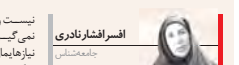
یادداشت

تغافل فرهنگی

نیست و عناصر فرهنگی را فقط از دیگران نمی کسبند. وقتی ما مدعییم فرهنگ خودمان نیازهایمان را برطرف می کند، به فرهنگ های دیگر رو نمی آوریم. زما فرهنگ خودمان قادر است امنیت و خودشکوفایی را برای ما تأمین کند.

در جامعه ای با فرهنگ پویا، پهنادهای متعدد به صورت عملیاتی و کارسردی کار می کنند. ما سوزان فاعل هستند و یک لحظه تمام هنر نمی رود. این آسان می کند. خاکثر تولید را داشته باشند. چون مردم جامعه را از خودشان می دانند. وقتی مردم از جامعه کنار کشند و در شرایط مختلفاً احساس مسئولیت و وظیفه نداشته باشند و بگذارند این جامعه را بمانند، نشان از ایستادگی جامعه است.

• جامعه پویا با نظر مردم، جامعه ای است که مردم آن با قدرت گرفتن امکانات فرهنگی بتوانند کاملاً نیروهای بالفعل تبدیل کنند. لازمه این امر این است که امکانات در دسترس همه قرار بگیرد. ندمای و این باعث می شود که استعدادها، هنر و توانایی در افراد نهفته نماند. نتوانند آن را بروز دهند. جامعه همه به پهنادهای بالفعل تبدیل کنند. لازمه این امر این است که امکانات در دسترس همه قرار بگیرد و این باعث می شود.



امیر افشار نادری
جامعه مدنی

جامعه پویا از مفاهیم متأخر است و به جامعه های می گوئیم که فرهنگ و مظاهر فرهنگی آن در اختیار مورد استفاده همه مردم جهان قرار گیرد. فرهنگ نباید فرقی قابل دسترس باشد. بلکه باید درش را به روی انواع فرهنگ ها باز کند و اجازه دهد که فنون جدید وارد شده و به سهولت مورد استفاده قرار بگیرد. کشوری که در های خود را روی دیگران ببندد فرصت های خود را از دست می دهد. زیرا مادر هر زمینه ای به نقل نیاز دارد، به خصوص بیشتری داریم چرا که اگر این فرهنگ و تاریخ محدود شود و فقط در بند ستایش گذشته فرهنگیمان در خطر است.

• جامعه پویا با نظر مردم، جامعه ای است که مردم آن با قدرت گرفتن امکانات فرهنگی بتوانند کاملاً نیروهای بالفعل تبدیل کنند. لازمه این امر این است که امکانات در دسترس همه قرار بگیرد و این باعث می شود.

• جامعه پویا با نظر مردم، جامعه ای است که مردم آن با قدرت گرفتن امکانات فرهنگی بتوانند کاملاً نیروهای بالفعل تبدیل کنند. لازمه این امر این است که امکانات در دسترس همه قرار بگیرد و این باعث می شود.

• جامعه پویا با نظر مردم، جامعه ای است که مردم آن با قدرت گرفتن امکانات فرهنگی بتوانند کاملاً نیروهای بالفعل تبدیل کنند. لازمه این امر این است که امکانات در دسترس همه قرار بگیرد و این باعث می شود.

آزادی و عقلانیت لازمه جامعه پویا

وجود احزاب، موسسات و نهادهای بود که منشأ خاستگاه اجتماعی باشند نه سیاسی. افراد در یک مناسبات معقول دست به کنش های نظام مند موثر برای پیشبرد اهداف مشترک خود می زنند. هر نقش در بافت هایی نظام کل را تشکیل می داد، فعالیت داشت و وجود این نهادها اقهارا را ترسیم می کرد که در آن هر فردی نقشی از یک کل را بر عهده دارد و فرد خود را اجزا از دیگری نمی دید. موفقه دوم آزادی است. جامعه بدون آزادی هیچ